



# زبان عمومی استاد فاطمه دهقانی رشته ها سخت افزار. حسابداری. طراحی دوخت

ادامه متن درس 14  
پیاده روی طولانی تا خانه  
صفحه 112

# A LONG WALK TO HOME

- But Dad, it's 18 miles to home. It's dark. You can't walk home. My protests, my apologies and the rest of my utterances were useless. I had disappointed my father, and I was about to learn one of the most painful lessons of my life.

من گفتم اما پدر الان 18 مایل تا خانه راه هست. الان هوا تاریک هست و شما نمیتوانید تا خانه پیاده بیایید. ندامتم و اعتراضاتم و عذرخواهی هایم و بقیه حرفهایم و اظهاراتم همه بی فایده بودند. من پدرم را ناامید و دلسرد کرده بودم. من داشتم یکبار از دردناکترین درسها زندگی ام را یاد میگرفتم.

- Dad began walking along the dusty roads. I quickly jumped in the car and followed behind, hoping he would finally forgive me.

پدر شروع به راه رفتن در جاده طولانی خاکی کرد من سریع پریدم بالا و ماشین روشن کردم و به دنبالش رفتم، امیدوارم بودم نهایتاً من را ببخشد

# A LONG WALK TO HOME

- I plead all the way,telling him how sorry I was,but he simply ignored me,continuing on silently,thoughtfully and painfully.

من تمام مسیر را لابه و التماس کردم و مدام در حال گفتن این به پدرم که من چقدر متاسفم اما او به راحتی و سادگی التماسهایم را نادیده گرفت و درسکوت متفکرانه و دردمندانه راهش

For 18 miles I drove behind him,averaging about five miles per hour.  
تمام 18 مایل من پشت سرش رانندگی میکردم .تقریبا معادل 5 مایل در هر ساعت.

# A LONG WALK TO HOME

- ▶ Seeing my father in so much physical and emotional pain was the most distressing and painful experience that I had ever faced.

دیدن پدرم که اینقدر از لحاظ جسمی و احساسات و عواطف درد میکشید مظرب کننده ترین و دردناک ترین تجربه ای بود که من با آن روبرو شده بودم.

However, it was also the most successful lesson. I had never lied to him since.

به هر حال این یکی از موفق ترین درسها برای من بود. که من هرگز به او از آن زمان دروغ نگفتم.